

بورژواهای محلی و روشنفکران و تحصیلکردهان رنل مشتاق قدرت را برایشان تعیین کنیم. قریبانیان قومی کردن انقلاب ایران قبل از هر کس مردم ارومیه، تهران، اهواز، اصفهان و کرمانشاه خواهند بود. نباید اجازه داد این طاعون قومی مردم را مبتلا کند. تب آن همه را خواهد گرفت. هیچ خانه و خانواده ای از این آتش نفرت قومی مصون نخواهد ماند. به بغداد، به ساریوو و به رواندا نگاه کنید. قوم پرستان و فدرالیست های قومی

مردم ایران نشسته است یک بازی ساده پیش نخواهد بود. اگر تا امروز مذهب را مبنای هویت انسانها قرار میداند و برای حفظ منفعت خود، برای رساندن خود به قدرت، مردم را به مسلمان و مسیحی و یهودی تقسیم میکردند و آنها را به جان هم می انداختند، امروز دارند برای همه ما لباس قومی میوزند و میخوانند مردم را قانع کنند که باید بر سر هر کوچه و رودخانه و کوه و ده و دره و شهری همیگر را سلاخی کنند تا محدوده "حاکمیت فدرال"

نتوان از یکسره کردن قدرت به نفع خود، با تبلیغات قومی، با اتکا به نیروی مسلح جریانات فاشیست و اسلامی، با توسل به پول و اسلحه جمهوری اسلامی و آمریکا و البته همگامی طویله ابلهان سیاسی میخواند بر تن این انقلاب لباس قومی به پوشاند. اگر نقشه شان بگیرد برای مدت های طولانی چیزی از جامعه ایران باقی نخواهد ماند. در غیاب دخالت بشریت متمدن آنچه در عراق، یوگسلاوی و رواندا روی داد در مقابل آنچه که در کمین

نه قومی ، نه اسلامی ، زنده باد هویت انسانی



کوروش مدرسی

بی بی سی و آل احمد های ایرانی و فرنگی خود بر تن انقلاب ازلیخواهانه مردم ایران در سال ۵۷ لباس اسلامی کرد. امروز در پاسخ به خطر انقلاب دیگر و

سرمایه داری به ضرب دستگاه مهندسی افکار خود با همکاری ژورنالیست های نوکر، دار و دسته خوردن های مفت خور و با کمک

باید این شهر را جنبانند!

اولیابگ که در زمان یکی از محله های فقیر نشین شهر سنندج بود زندگی میکردیم. يك خانه كوچك با اطاق و يك اطاق و يك حیاط كوچك که بعد از سالها مستاجری ان را ساخته بودیم. در این خانه من و خواهرم و ۳ برادر و پدر و مادرم زندگی میکردیم، ناگهان روزی مامورین دولت وارد خانه ما شدند و شروع به پرت کردن وسایل خانه ما شدند، درست یادم است که بعداز ظهر بود من و مادرم و برادرانم خانه بودیم و حیرت زده مامورن را نگاه



مریم افراسیابپور

محل سکونت صد ها نفر از ساکنین محله فیض اباد سنندج بر سرشان خراب کرده اند با شنیدن این خبر بیاد روزی افتادم که ۱۰ سال داشتم و در محله تپه

"اگر شما بودید چکار میکردید؟"

تخریب خانه های مردم فیض آباد سنندج و چه باید کرد!

مختصر به سوالات خوب و بجای شما جواب میدهم امیدوارم جواب مرا با دوستان در میان بگذارید، باید مقمتا از لطف شما و طرح این مسله مهم تشکر کنم، من از بخش نوم سوالت شروع میکنم، به نظر من فورا به سایت حکمتیست سر بزنی و از آنجا به سایت کورش مدرسی مراجعه کنی و در بخش نوشته ها و مقالات به نوشته (زلزله، سازماندهی و سیاست کمونیستی) که مصاحبه جوانان کمونیست دور قبل با کورش مدرسی است

های مردم محله فیض آباد، گفته بود که حاضر است هر کاری که از دستش بر آید برای این مردم انجام دهد، پرسیده بود که "اگر شما اینجا بودید چکار میکردید؟ واقعا باید چکار کنیم؟ و... من با مقداری تغییرات و اختصار، جواب این دوست عزیز را اینجا منتشر میکنم، چون احساس میکنم که این سوالات باید جواب گیرد، بسیارند از رهبران پرشور و فعال و جسور که واقعا به جواب این سوالات می اندیشند. دوست بسیار عزیز! من بطور



عبدالله شریفی

دوستی نازنینی یاداشتی پر مهر بر لیم مایل کرده بود و در آن ضمن برداختن به ماجرای تخریب خانه

"اسانلو آزاد باید گردد، سندیکای آزاد احیا باید گردد"

شعار اعتراض امروز کارگران شرکت واحد و مردم تهران بود!



حرکت و برای نشان دادن حمایت خود، با کف زدن و هورا کشیدن سوار اتوبوسها شده اند. حرکت رانندگان اتوبوسرانی شرکت واحد تا هم اکنون

همزمان با این کار پلاکاردهایی را جلو شیشه اتوبوسها آویزان کرده بودند که خواستهای آنان مبنی بر ، "اسانلو بیگناه از د باید گردد" و " سندیکای آزاد احیا باید گردد" روی آنها نوشته شده بود. حرکت اعتراضی رانندگان شرکت واحد که در سراسر تهران و مخصوصا در مناطق ۴ و ۶ قابل مشاهده بود، مورد استقبال مردم تهران قرار گرفت. مردم مبارز تهران در استقبال از این

اطلاعیه شماره ۱۳ حزب کمونیست کارگری - حکمتیست امروز شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۸۴ برابر با ۷ ژانویه ۲۰۰۶ با شروع شیفت صبح رانندگان شرکت واحد، حرکت اعتراضی هزاران راننده در سراسر تهران شروع شد. از ساعت ۵ صبح رانندگان شرکت واحد در اعتراض به دستگیری دبیر سندیکا و بستن دفتر سندیکای شرکت واحد، چراغهای اتوبوسهای خود را روشن کردند.

در صفحات دیگر

گزارشاتی از شهر سنندج اطلاعاتیه ها

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید ! به گارد آزادی بپیوندید !



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نه قومی، نه اسلامی ...

دروغ میگویند. دنبال منفعت خود هستند برای شریک شدن در قدرت همه را فدا میکنند. کردستان عراق را نگاه کنید.

مردم! ما انسانیم. نه فارسیم، نه کُردیم، نه تُرک و آذری و نه بلوچ و

عرب. نه مسلمانیم و نه مسیحی و بهائی و شیعه و یهودی. انسان هستیم که باید آزاد باشیم و باید در بر خور داری از نعمات زندگی حق مساوی داشته باشیم. امروز باید از این هویت و زندگی انسانی خود در مقابل هویت مذهبی و قومی دفاع کنیم. شعار ما مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری

است. نباید اجازه دهیم چندین نسل دیگر جامعه ما فدای طاعون فدرالیسم و قوم پرستی شود. باید آنچنان با مشت محکمی بر پوزه این روشنفکران رذل و عقده ای مشتاق قدرت و این پاندازان کثیف سرمایه داران بکوبیم که دیگر جایی برای سرمایه گذاری بر نفرت و جدائی مذهبی و قومی

نماند و یک بار برای همیشه این لشکر اتکل های اجتماعی دست از سر ما بردارند.

مردم! باید کار جمهوری اسلامی را ساخت. ما سرنگونی جمهوری اسلامی را به محصل عروج آزادی و برابری انسانها، انقلاب سوسیالیستی، تبدیل خواهیم کرد.

تضمین میکنیم که بر پرچم سرنگونی جمهوری شعار "نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی" حک شود. به ما حکمتیست ها به پیونید.

۱۵ نوامبر ۲۰۰۵ - ۲۴ آبان ۱۳۸۴

شرکت واحد است. مردم چشم به تصمیم آنها دوخته اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ آبان ۱۳۸۴ - ۷ ژانویه ۲۰۰۶

www.hekmatist.com

Tel: (44) (0) 783 037

9526



کارگران در دست رانندگان

که مردم تهران آماده دفاع از شرکت واحد برای آزادی منصور اسانلو و در هم شکستن تعرض ضد کارگری جمهوری اسلامی هستند. اما حقیقت این است که کلید این حرکت در دست کارگران شرکت واحد تهران است. اسانلو آزاد باید گردد و دفتر شرکت واحد فوری باز باید گردد شعار رانندگان و مردم تهران است، تحقق این خواست انسانی و سایر مطالبات



کردن سندیکای شرکت واحد، خواست بر حق میلیونها انسان است. این حرکت که با سمپاتی وسیع مردم روبرو شد، نشان داد

ساعت ۳ بعد از ظهر به وقت تهران ادامه دارد. همه جا بحث از اعتراض شرکت واحد و تلاش برای آزادی منصور اسانلو و باز کردن دفتر سندیکای شرکت واحد است.

اعتراض امروز رانندگان و حمایت صمیمانه مردم در سراسر تهران به همه نشان داد که خواست آزادی فوری منصور اسانلو و باز

"اگر شما بودید چکار میکردید؟..."
از ص ۱

اول کار است، مردم فیض آباد باید به سایر شهرها هیئت بفرستند و در خواست حمایت کنند، نه تنها شهرهای کردستان بلکه شهرهای بزرگ ایران، شروع کنند نامه نوشتن به احزاب و نهادهای بین المللی و خود را در سطح جهانی مطرح کنند. قطعنامه بدهند و مطالبات خود را با قاطعیت بخواهند. در چنین فضایی میشود در فکر مصادره امکان دولتی هم بود، (زور آبادها) و (مجبور آبادها) سنتهای شناخته شده مردم هستند که اکنون در هر شهری با همین اسم و رسم معروفند، مردم به ستوه آمده در توازن قوای معین همیشه مبارزت به مصادره امکان دولتی کرده اند و آنگاه هم به قانون تحمیل کرده اند.

پس میبینیم میشود کارهای زیادی کرد، اگر مردم فیض آباد را تنها بگذاریم فردا نوبت تفتقان و حاجی آباد و غیره خواهد رسید، رژیم دارد جو رعب و وحشت و فضای تقابل با مردم را آمیخت میکند، باید در مقابل این گونه سیاستهای ضد انسانی آنها ایستاد و آنها را ناچار به عقب نشینی کرد. باور کن علیرغم هر عر و تیزی، با اولین تقابل قدرت متحد مردم، این رژیم جنایتکار فرسنگها عقب خواهد نشست.

نوست عزیز! این گوشه کوچکی از چه باید کردند است که میشود عملی کرد و سطح مبارزه مردم را به سرعت ارتقا داد، برایتان آرزوی موفقیت میکنم.



انساندوستی است که گفتیم. مرحله بعد جوابی است به نفرت برحق مردم از رژیم لامکشان اسلامی، حمایت های مادی و معنوی که از محلات سرزیر شود، مردم فیض آباد را به موقعیت بالاتری سوق خواهد داد، دیگر لازم نیست روزهای ۱۷ و ۱۹ هم، همین ماه تنها گروه صد نفره مقابل استانداری باشند، باید استاندار و مزدوران دیگر خود را در مقابل چند هزار نفر از محلات، ادارات، مدارس، کارگاههای آن شهر ببینند. تازه این

جای جوانی که هنوز آرزوهای آینده را در دل میپروراند و به فکر مدرسه و فردای خود است... راستش خود را جای من و شما قرار خواهد داد و این درد آزارش خواهد داد. این انسانی ترین عکس العمل است. بلافاصله نفرتی به قدرت همان حب و انساندوستی وجود انسان را فرا میگیرد، نفرت از ارذل و اوباشی که ۲۶ سال است در سایه کشتار و سرکوب و تخریب و تحمیل فقر و فاقه اکثریت آن جامعه سرپا هستند. نفرت از جمهوری اسلامی، ماندگاری این هلاکوست اسلامی، برای هیچ انسانی به معنی واقعی انسان، قابل توجیه نیست. همه مردم میدانند که ایران کشوری است ثروتمند، پول زیاد است، یک صدم هزینه دم و دستگاه عریض و طویل سرکوب و جاسوسی و حماقت و جهالت، یک صدم آنچه در آن شهر مصرف خدم و حشم اسلامی و ارتش و سپاه و مساجد و تکیه و آخوند و مرتجع میشود کافی است که نه مردم فیض آباد بلکه تمام شهر در فراه و بهرمن از مسکن مناسب زندگی کنند.

"چه باید کردنها" باید در یک کلام هم به آن حب و انساندوستی و هم به آن نفرت برحق مردم جواب بدهد. چگونه؟ گفتیم که مردم خانه خراب شده مستحق انسانی ترین حمایتها هستند، شایسته بزرگترین همبستگی و نوع دوستی هستند، باید رهبران عملی مردم در

**این شهر را باید جنباند...
از ص ۱**

میگردیم و مادرم را به یاد دارم که با چشمان گریان از آنها خواهش میکرد که ان کار را نکنید.

بالاخره ما را با وسایلهایمان از خانه بیرون انداختند، وقتیکه از مادرم پرسیدیم که چرا ان کار را با ما میکنند، مادرم در جواب گفت که پدرم برای ساختن خانه پول قرض کرده ولی نتوانسته ان را پس بدهد و به همین خاطر میخوان خانه را از ما بگیرند. من و خواهر و برادرانم که در کنار مادرم در گوشه کوچکی نشسته بودیم تا پدرم بیاید، قیافه مادرم مانند برده سینما جلو چشماتم ظاهر میشود که کوشش میکرد ما را دلداری بدهد هنگامی که چشمان خودش پر از اشک بود.

چیز دیگری که همیشه به خاطر دارم، همسایه ها بودند که دسته دسته دور ما جمع میشدند و ما را دلداری میدادند، طولی نکشید که پدرم بوسیله ی یکی از همسایه ها با خبر

مردم سندانج باید نفرت عمیق خود را از این حرکت غیر انسانی به مال و جان مردم را به تعادل قوای جدیدی میان مردم و رژیم تبدیل کنند نباید سلکت و بی تفاوت در کنار این



عمل ضد انسانی گذشت، سندانج شهر همبستگیهای انسانی است، شهر را بیکالیزم و برابری طلبی، این شهر همیشه سنگر دفاع از آزادی بوده است، باید این شهر را جنباند. میگویند اشکال این خانه سازی این است که انها مجوز نداشتند، فاضلاب رد نمیشود،

سوال این است چرا مگر ایران کشوری ثروتمند نیست؟ جمهوری اسلامی خیلی ساده گله اخوند و حزب الله و انصار الله و هزار و یک مفت خور و سرکوبگر را همه سرمیه دار کرده است. پولی را که به حسابهای سراننش به خارج میفرستد و پولی که کل سیستم از قبیل چاپیدن مردم به جیب میزنند، نه تنها مشکل حاشیه شهر سندانج بلکه میتواند تمام شهر و روستاهای ایران را باز سازی کند.

ما کمونیستها که انسان اول و اخر همه ی سیاست و فلسفه مان است کسانی هستیم که باید این نیاز و این تحرك انسانی مردم را سازمان دهیم و در متن این سازمان دادن است که شبکه های فعالین کمونیست وسیع میشوند، ریشه میگیرند، نفوذشان را زیاد میکنند، تنها در سازمان دادن چنین تحرك و نیاز انسانی است که حزب انسانییت و تغییر دهنده ساخته میشود.

۱۰ ژانویه ۲۰۰۶

امروز مردم محله فیض آباد جلو استانداری جمع شدند!

جدید مواجه شد. چیزی که شگرد همیشگی آنها برای سردن کردن و خسته و ناامید کردن مردم است. مبارزات مردم ادامه دارد و این به حمایت بیبرخی مردم سندانج نیاز دارد که در حال حاضر مشغول تهیه تومار حمایت از مردم زحمتکش فیض آباد هستند.

مردم اجتماع کننده اظهار داشتند که اگر تا فردا جوابی نگیرند روز نوبشنبه مجددا اجتماع خواهند کرد. به هنگام متفرق شدن مردم ماموران قصد دستگیری جوانی را داشتند که مشغول عکس گرفتن از صحنه بود که با دخالت مردم و بخصوص جوانان حاضر در آنجا از دستگیری این جوان جلوگیری شد. به این ترتیب اجتماع اعتراضی امروز مردم بیخانمان شده مجددا با وعده های استاندار

وحشیگری با مقاومت اجتماع کنندگان خنثی شده و ماموران به عقب رانده شدند. نمایندگان مردم پس از ملاقات با استاندار به مردم اظهار داشتند که اسماعیل نجار استاندار جدید گفته که به محل تخریب خانه ها می آید و اطلاع یافته که از طرف شهرداری در جریان ساختن این خانه ها رشوه گرفته شده است و او این مساله را پیگیری خواهد کرد. او از مردم مهلت خواسته است تا مساله را پیگیری کند.

**سهیل از سندانج
17 دیماه 84**

از همان آغاز ماموران رژیم به اجتماع مردم حمله کردند ولی با مقاومت آنها روبرو شده و به عقب رانده شدند ماموران رژیم به قصد متفرق کردن مردم فیض آباد در جلو استانداری به آنها حمله کردند و تعدادی از آنها از حمله یک زن را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما این

تحصن مردم بی سرپناه جلوی استانداری شهر سندانج خاتمه یافت!

برندند و خواستند دستگیرش کنند و خوشبختانه با مقابله مردم رو به رو شدند و جوان را از دستشان نجات دادند. مردم محله فیض آباد به کمک مردم و بیوستن به تجمع و تحصن آنها به شدت نیاز مندند.

پیگیری خواهد کرد و به نمایندگان گفته بود که تحصن مردم را خاتمه دهید. نمایندگان متحصنین جواب استاندار را به مردم اعلام کردند و مردم نیز تصمیم گرفتند که تا فردا منتظر پیگیری استاندار بمانند و اگر جوابی نگرفتند دوباره تحصن خواهند کرد. یکی از جوانان خطاب به ماموران نیرو انتظامی گفت: تا کی میخواهید ما را سر بدو کنید؟ ما بی مسکن شده ایم و خانه هایمان را روی سرمان خراب کرده اند. بلافاصله چند نفر از ارادل اطلاعاتی به طرف جوان یورش

محاصره کردند. تا نزدیکی ظهر هیچ جوابی به مردم داده نشد و نهایتا به مردم گفتند که نماینده هایشان را انتخاب کرده و برای مذاکره با استاندار جدید به داخل استانداری بفرستند. مردم همانجا 4 نفر را به عنوان نماینده انتخاب کرده و نماینده ها برای مذاکره با نجار استاندار جدید وارد ساختمان استانداری شدند. ساعت 12 و حدودا بعد از 2 ساعت گفتگوی نمایندگان مردم با اسماعیل نجار استاندار جدید، نجار به آنها قول داده بود که خودش مسائل این مردم را

**سندانج
پویا کرمی
17 دیماه 84**

امروز شنبه صبح، حدود 100 نفر از مردم بی سرپناه که خانه هایشان چند روز پیش توسط شهرداری تخریب شده بود در جلوی استانداری تجمع کرده و به اعتراض پرداختند.

طبق معمول ارادل و اوباش نیروی انتظامی و اطلاعات مردم بی پناه و بی دفاع را



**به کمپین جهانی برای آزادی اسانلو
و سایر در بندان شرکت واحد بپیوندید!**



فعالین کارگری جرمی مرتکب شده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری بپیوندید!



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

25 و 26 فوریه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود

با شرکت در این کنفرانس از نزدیک با فعالیتهای و سیاستهای حزب حکمتیست در خارج کشور آشنا شوید. در این کنفرانس در بطن تحولات سیاسی نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن مورد بحث قرار میگیرد.

جهت ثبت نام با ای میل

hekmatist.aboard@gmail.com

و شماره تلفن

(44) 37 22 590 781

روزهای جمعه از ساعت ۸ و نیم تا ۹ و نیم شب به وقت تهران
۶ تا بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی ۹ تا ۱۰ صبح
به وقت امریکای غربی از شبکه کانال یک پخش میشود



کمونیست هفتگی روزهای جمعه منتشر میشود.
کمونیست را بخوانید، تکثیر کنید و بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

انجمن مارکس – حکمت لندن

شنبه ۴ فوریه ۲۶ ساعت ۱ بعد از ظهر

فاتح شیخ

مارکس و تئوری کمونیسم

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiagi@yahoo.com

Tel:0046762737560

سر دبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!